

# نقدی بر مصاحبه اعلیحضرت

## با رادیو فردا

### گذار از جمهوری اسلامی

امیر فیض- حقوقدان

در مصاحبه اخیر رادیو فردا، بخش تصویری آن با اعلیحضرت نکاتی به بیان اعلیحضرت آمده که حائز ارزانی افتخار نقد است.

#### گذار از جمهوری اسلامی

نخستین مطلب مورد توجه در بیانات اعلیحضرت استفاده از عبارت **گذار از جمهوری اسلامی** است که این عبارت با تفسیری که اعلیحضرت همراه آن ارائه فرموده اند، میتواند موضوع تازه و بی آلاچی در مبارزه سیاسی اعلیحضرت محسوب گردد و مهمتر از آن متضمن نسخ بیاناتی از اعلیحضرت باشد که با بیان اخیرشان به گرداب ناسخ و منسوخ کشیده میشود.

از نظر فلسفی و حقوقی، مقصود از **گذار از جمهوری اسلامی** عبور از نص است، و عبور از نص به معنای مخالفت با نصوص و مبانی قانونی است که اعلیحضرت در توضیح به درستی و بجا، دقیقاً فصل قانون اساسی جمهوری اسلامی را نمونه آوردند.

عبور از نص قانون اساسی کشور اگر از طریق ضوابط منظور در قانون اساسی ممکن نباشد و یا در دستور کار عبور کنندگان از نص قرار نداشته باشد عمل عبور کنندگان از نص یعنی نادیده گرفتن قانون اساسی کشور که در ابعاد قیام علیه قانون اساسی و در مفهوم براندازی است که اعلیحضرت در استفاده از این واژه سیاسی و آشنای مردم در این مصاحبه قدری امساک فرمودند چنانکه همواره در بکار بردن واژه مزبور یعنی براندازی احتیاط میفرمایند.

این مسرت پنهان کردنی نیست که تحول فکری تازه اعلیحضرت چیز بسیار پراهمیتی است چراکه شاید ۳۲ سال است که ایشان در انتظار تغییر رفتار **فرقه تبهکار غاصب ایران** بوده اند و راه مزبور را سالم ترین و کم هزینه ترین راه برای تامین حقوق سیاسی مردم ایران میدانستند؛ و در تمام این مدت به اصرارهای متوالی و مستدل در عدم کار آرائی این استراتژی که بعلت فلسفه اسلامی و تشیع نظام غیر ممکن میباشد عنایتی نداشته اند.

#### نایب طرح هنری پرشت

از این دریافت شوم نمیتوان غافل ماند که محدود بودن فعالیت سیاسی اعلیحضرت به مماشات و انتظار تغییر رفتار جمهوری اسلامی در قالب طرح هنری پرشت و تحمیل تحریم سیاسی اعلیحضرت پایه ریزی

شده است که میدانیم و در تحریرات هم ارائه سند شده است که آمریکا قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارد و خواهان تغییر رفتار کثیف آن قوم تبهکار است، وبالطبع اعلیحضرت با توجه به دایره محدودیت طرح هنری پرشت نمیتوانستند که در خارج از چارچوب آن طرح، طرح براندازی و یا طرح تعقیب تداوم سلطنت را پیگیری بفرمایند.

میتوان گفت شاید دیدگاه هایی جدید دولت ترامپ نسبت به جمهوری اسلامی سبب تحولی در افکار اعلیحضرت به ترتیب جایگزینی براندازی جمهوری اسلامی بجای تغییر رفتار بوجود آمده باشد.

اعلیحضرت در بیانیه قبلی خودشان (بمناسبت انتخابات) از جمهوری اسلامی بعنوان **فرقه تبهکار** یاد فرمودند که تصدیق مسلم بلاتردید است صفتی که ایشان برای جمهوری اسلامی انتخاب کرده اند دیگر اجازه نمیدهد که فصل تغییر رفتار آن فرقه تبهکار مد نظر باشد و باید با تبهکاران بترتیبی که قانون مقرر کرده رفتار کرد.

## واما عبور از جمهوری اسلامی

وقتی نص، پشتوانه قدرت باشد مانند، **فرقه تبهکار جمهوری اسلامی**، گذار از نص میشود عبور از جمهوری اسلامی که به مفهوم گذار از قدرت است و اینجاست که ملازمه عبور از قدرت مقاوم نیاز به قدرت متقابل دارد و اینجاست که نمیتوان شیوه مسالمت آمیز را اصل و یگانه استراتژی شکستن قدرت مقاومت شناخت، و اساسا نمیتوان که هیچ نوع استراتژی انحصاری را مقید مورد شناخت در عمل و مدیریت مبارزه است که اثراتژی مناسب لازم میشود مصداق <گرز به خوردن پهلوان>.

## شرط اساسی گذار از قدرت

شرط اساسی برای عبور از قدرت مقاوم، مشروعیت است که اگر نبود اقدام گذار از قدرت حاکم و مقاومت نوعی تجاوز و اقدامی نامشروع است.

عدم آزادی انتخابات و یا وجود ولایت فقیه و یا قیودات دیگری که در باصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود دارد هیچیک و تمامی آنها سالب مشروعیت از جمهوری اسلامی نیست زیرا به اعتبار حقوق دمکراتیکی همه آن تضییقات با رای مردم بوجود آمده است.

تنها موردی که جمهوری اسلامی را در چنبره عدم مشروعیت پیچیده، عدم مشروعیت شورش ۵۷ است به اعتبار دلایل مشروحه ای که در تحریرات بیان شده است که در صدر همه آنها دخالت بیگانگان و ترتیب شورش علیه شاه که با احکام اسلامی و هویت ملی ایرانیان مخالف بوده و اسلام قائل به همه پرسی و نظر اکثریت نیست و نبوده است.

عبورکنندگان از جمهوری اسلامی یعنی کسانی که علیه موجودیت جمهوری اسلامی و نصوص آن قیام میکنند باید اقدامشان متکی به مبانی مشروعیتی باشد، والا تفاوتی با جمهوری اسلامی از نظر منطق مشروعیت ندارند.

سوال این است؛ ایرانیانی که درخط مقدم گذار از جمهوری اسلامی قرارمیگیرند، پایگاه مشروعیتی آنان کجاست وچيست؟ آیا همینکه بگویند ما سکولاریسم و حقوق بشرمیخواهیم کافی است؟ البته که خیر... زیرا خواستن تمنای دل است با داشتن بسیار تفاوت دارد. سران شورش ۵۷ هم از آزادی و برابری و حقوق بشر صحبت میکردند.

**مشکل این مهم را تداوم مشروعیت اجرایی قانون اساسی مشروطیت حل میکند** که گذار از جمهوری اسلامی درپناه مشروعیت قانون اسای مشروطیت صورت گیرد.

### تأثیر برداشت اخیر اعلیحضرت

اعلیحضرت دربیاناتشان به مسئله شورای ملی (شورای تجزیه طلبان) بعنوان شاهد موضوع اشاره کرده اند؛ اتفاقاً برای اثبات اینکه شورای مزبور هم یکی از همان علائم انتظار اعلیحضرت به تغییر رویه جمهوری اسلامی است، شاهد خوبی است.

درشورای مزبور بهیچ وجه ویا حتی غیرمستقیم عبور از جمهوری اسلامی از اهداف شورا مشخص نشده است بلکه فراهم شدن شرائط انتخابات آزاد، خواست انحصاری شورای است درحالیکه لازمه رسیدن به هدف انتخابات آزاد عبور از جمهوری اسلامی ویا قانون اساسی آن منجلا ب اسلامی، نیست بلکه اصلاح قانون انتخابات و اصول نظارت استصوابی است که این اصلاحات تعادل حقوقی جمهوری اسلامی را متزلزل ویا درهم و برهم نخواهد کرد، و این همان کاری است که اصلاح طلبان که از بدنه **فرقه تبهکار جمهوری اسلامی** هستند خواهان اصلاح آن میباشند.

**نه تنها تغییر قانون انتخابات ویا اصل نظارت استصوابی بلکه حتی حذف فصل ولایت فقیه هم نمیتواند موقعیت حقوقی و قانون اساسی آن فرقه تبهکار را زیر سوال حذف موجودیت جمهوری اسلامی ببرد و در کلامی دیگر تمام فصول قانون اساسی سند مشروعیت! آن فرقه است نه برخی از فصول آن قانون.** عبور از جمهوری اسلامی، عبور از کل قانون اساسی است نه یکی ویاچند اصل آن قانون، در کلامی روشن گذار از جمهوری اسلامی به معنای درهم شکستن استوانه و ساختار قدرت تبهکاری جمهوری اسلامی است یعنی کاری که در همه انقلابات صورت میگیرد. قانون اساسی این تبهکاران دستآورد انقلاب اسلامی است بدون محو آثار انقلاب و شورش نمیتوان با اصلاح دستآوران انقلابات که قانون اساسی است، از جمهوری اسلامی عبور کرد، جمهوری اسلامی از نظر اسنادی مرتبط با باصلاح قانون اساسی آن است ولی از نظر ساختاری مانند یک اختاپوس است که برای عبور از آن باید تمام اقطاع آنرا قطع کرد.

### برداشت اخیر اعلیحضرت و شورای تجزیه طلبان

توجه درست و خاص اعلیحضرت به عبور از جمهوری اسلامی (**فرقه تبهکار**) ایجاب میکند که اسناد شورانی که بنام اعلیحضرت معرفی وایشان سمت ریاست آنها دارند با افکار و منویات تازه اعلیحضرت هماهنگ گردد؛ زیرا نمیتوان اسناد سیاسی یک سازمان با افکار رئیس آن هماهنگ نباشد. (مگر آنکه اعلیحضرت از شورای به اصطلاح ملی = تجزیه طلبان- گذر کرده باشند).

اساساً شورای اعلیحضرت با آن قطعنامه کذائی که متاسفانه قائل به مشروعیت برای جمهوری اسلامی (فرقه تبهکار) شده است، و آن ماده ۱۱ که جواز تجزیه کشور است، در چند سال قبل براه افتاده است و همه میدانیم که کارارائی لازم راهم نداشته است؛ و باز همه میدانیم و بیاد داریم که اعلیحضرت در مقابل اعتراضات ایرانیان به قطعنامه آن شورا خاصه ماده ۱۱ آن قول تجدید نظر داده اند **فکر میکنم اکنون که**

**اعلیحضرت طریق عبور از نص (قانون اساسی جمهوری اسلامی) را جایگزین تغییر رفتار رژیم**

**قرار داده اند، موقعیت مناسبی است که در قطعنامه آن شورا تجدید نظر اصولی به روز که احتمالاً با**

**سیاست جهانی علیه جمهوری اسلامی هم نزدیک باشد بنمایند؛ چه بحاست که عنایتی هم به انتظار**

**ایرانیان که نگران ماده ۱۱ قطعنامه شورا است بفرمایند.**

اعلیحضرت دریکی از بیاناتشان شورای ملی خودشان را برای حفظ وقوام جنبش سبز معرفی فرمودند جنبش سبزی که از بدنه اصلاح طلبان شناخته میشود. و اکنون که اعلیحضرت در نظرشان نسبت به اصلاح طلبان تجدید نظر اصولی و وارد فرموده اند نمیتوان این تجدید نظر بجا و درست و اقتدا گرایانه را نسبت به موقعیت شورای خودشان به اجرا در نیاورند.

توضیح = ناسخ و منسوخ که از تجربیات نص و قانون و نیز در عقود است لفظ است نه فعل و فعل یعنی پیاده کردن ناسخ (اصل تازه) در مقابل منسوخ و این عمل، متضمن رفع آثار و متعلقات و قیودات از منسوخ است و به کلامی دیگر بیانات اعلیحضرت در مورد عبور از جمهوری اسلامی تنها لفظ است و برای اینکه واجد اعتبار حقوقی و سیاسی گردد باید از اسناد و مدارکی که منسوخه میشود رفع قیودات گردد، والا نمیشود هم در جهت رقم فرقه تبهکار جمهوری اسلامی شورا تشکیل داد و هم عبور از جمهوری اسلامی را رهبری کرد.

قسمت دوم متوجه بیانات اعلیحضرت نسبت به رهبری است.

موکول به فرصت دیگر